

ابعاد جبران خسارت قربانی جرم در حقوق کیفری انگلستان

دکتر نسرين مهر^{*}

حجت سبزواری نژاد^{**}

چکیده

بدون تردید امروزه یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام عدالت کیفری توجه به قربانیان جرایم و ابعاد حمایت از آن‌ها در فرایند دادرسی‌ها است. اگر اساسی‌ترین حمایت را جبران خسارت وارده (اعم از مادی و معنوی) به قربانی جرم بدانیم سخنی به گزاف نخواهد بود. کشور انگلستان به‌عنوان یکی از پیشگامان این حمایت در اروپا و جهان از پنج دهه‌ی گذشته گونه‌های مختلفی از جبران خسارت ناشی از جرم را وارد قوانین خود نموده است. نگاهی به قوانین کیفری در این کشور نشان می‌دهد که مشخصاً از دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی تاکنون دولت به‌عنوان یکی از منابع این جبران خسارت و از دهه‌ی ۱۹۸۰ صدور دستور جبران خسارت علیه مجرم به‌عنوان مجازات جایگاه ویژه‌ای پیدا نموده است. این مقاله در صدد است که به‌طور خلاصه به تشریح دلایل این روی‌کرد و جایگاه جبران خسارت قربانی جرم در قوانین کیفری و رویه‌ی دادگاه‌های این کشور بپردازد.

کلید واژگان

قربانی جرم، جبران خسارت، مجرم، دولت.

^{*} استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

^{**} دانش‌آموخته دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی.

مقدمه

معمولاً تأکید اساسی نظام عدالت کیفری انگلستان به‌طور خاص بر کشف جرم و تعقیب متهمان و هدف آن پیش‌گیری از جرم و مجازات مرتکبان است و قربانیان در فرایند دادرسی‌های کیفری نقش کمی دارند.^۱ به قول یکی از نویسندگان:^۲ «جرم، به این علت جرم است که اقدامی علیه امنیت و رفاه جامعه محسوب می‌شود و درست نیست که آن را به طریق پرداخت خسارت به افراد متضرر از جرم واگذار کرد».^۳ جرم در این کشور قبل از این‌که جنبه‌ی خصوصی داشته باشد، خطایی عمومی و اخلاقی محسوب می‌گردد و دخالت متضرر از جرم در فرایند دادرسی در این کشور تنها در حد یک شاهد است. با این حال، توجه به حقوق و نیازهای قربانی جرم، همیشه یکی از دغدغه‌های نظام کیفری این کشور بوده است. به‌طور کلی می‌توان نقش قربانی جرم را در سیاست عدالت کیفری انگلستان به سه دوره تقسیم کرد.^۴

یک- دوره‌ی زمانی بین سال‌های ۷۵-۱۹۶۰ که به ایجاد نهاد جبران خسارت برای قربانی جرم منجر شد.

دو- دوره‌ی بین سال‌های ۸۰-۱۹۷۵ که می‌توان آن را مرتبط با ایجاد برنامه‌های خاص برای حمایت قربانیان جرم همانند برنامه‌ی حمایت از قربانی دانست.^۵

۱. در نظام عدالت کیفری این کشور جرم جنبه‌ی عمومی دارد و مقامات دولتی مانند پلیس وظیفه‌ی کشف، تحقیق و دادستانی وظیفه‌ی تعقیب و ادعای مجازات مجرم را بر عهده دارند و شاکی چنان‌چه در این فرایند دخالت داده شود تنها به‌عنوان یک شاهد است. بنابراین جرم آن‌چنان‌که در قوانین کیفری ایران آمده و برای برخی جرایم جنبه‌ی خصوصی در نظر گرفته شده و تا شکایت شاکی و قربانی جرم نباشد تعقیب و مجازات صورت نمی‌گیرد (ماده‌ی ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵)، نمی‌باشد.

2. Sir Carleton Allen.

3. Smith and Hogan, Criminal Law, Seventh edition, London, Butterworths, 1992, p. 16.

4. Newburn, T., Crime and Criminal Justice, London, Longmans, 1995, pp. 25-26.

5. Victim Support.

سه- دوره‌ای که از دهه‌ی ۱۹۸۰ شروع شده و در آن حمایت از قربانی جرم نهادینه شده و وی در فرایند عدالت کیفری مشارکت بیش‌تری می‌نماید. به نظر می‌رسد که در سه دهه‌ی گذشته (از دهه‌ی ۱۹۸۰) با توجه به روی‌کرد نظام عدالت کیفری در این کشور، رفاه قربانی و توجه به او برای تاثیر در نتایج فرایند عدالت کیفری قابل ملاحظه است. به‌طوری که از سال ۲۰۰۱ قربانیان جرم در این کشور توانسته‌اند بیانی شخصی از تاثیر جرم بر خود و زندگی‌شان ارایه دهند. منشور قربانی جرم^۶ در این کشور مقرر می‌دارد که با قربانیان بایستی با احترام و کرامت برخورد شود و برای آن‌ها حق حمایت، جبران خسارت و دریافت غرامت را پیش‌بینی کرده است. در این منشور، در مقایسه با گذشته، شاهد پیشرفت‌هایی در سطوحی از جبران خسارت در زمینه‌ی جرایم خشن و جنسی هستیم. نگاهی به سیاست کنونی و اقدامات تقنینی، اجرایی و قضایی این کشور در قبال قربانی جرم نشان می‌دهد که از زمان احیای حقوق قربانی جرم، برنامه‌های متنوعی اتخاذ گردیده که می‌توان عمده‌ی آن‌ها را شامل موارد ذیل دانست:

یک- اقدامات حمایتی از قربانی جرم

این اقدامات از زمان گزارش جرم به پلیس شروع می‌شود. به‌واقع بعد از ارتباط با نظام عدالت کیفری، هرگونه اقدامی در جهت رفع و ترمیم پیامدهای ناشی از جرم به‌عمل می‌آید، هم‌چون اظهارات و بیانات شخصی قربانی جرم^۷ که در فرایند دادرسی ارایه می‌دهد، در این برنامه جای می‌گیرد.

دو- ایجاد تسهیلات

منظور، امکانات و تسهیلاتی است که در جریان دعوا برای قربانی جرم در نظر گرفته می‌شود. این موضوع هرچند می‌تواند با حقوق متهم در تعارض باشد^۸ ولی عدالت به معنای

6. Victim's Charter.

7. Victim Personal Statements.

8. Fenwick, H., "Procedural Rights of Victims of Crimes: Public or Private Ordering of the Criminal Justice Process?", *Modern Law Review*, Vol. 60 (3), 1997, pp. 317-333.

کامل و درست آن، زمانی تحقق می‌یابد که برای طرفین اجرا گردد.

سه- تهیه و تنظیم منشور قربانی جرم مصوب ۱۹۹۶ (که در سال‌های ۲-۲۰۰۱ مورد تجدیدنظر قرار گرفت) و مجموعه رهنمودهای حمایت از قربانی جرم مصوب ۶-۲۰۰۵.^۹

به نظر برخی^{۱۰} این مقررات انگلستان در پرتو اعلامیه‌ی اصول اساسی عدالت برای قربانی جرم و سوء استفاده از قدرت که توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۵ تصویب شد تهیه گردیده است. این اعلامیه تعهد و الزامی را برای دولت و نهادهای دولتی جهت برآورده کردن نیازها و انتظارات قربانیان جرم ایجاد نموده است.^{۱۱}

این که نیازها و حقوق قربانی کدام‌اند و چگونه باید آن‌ها را تامین نمود بسته به هر کشوری جداگانه باید بررسی شود. از جمله حقوق قربانی جرم^{۱۲} لزوم کمک‌های مالی و عملی برای تامین اموال و جبران خسارت از طریق مجرم و دولت می‌باشد.^{۱۳}

شورای وزیران اتحادیه‌ی اروپا در سال ۲۰۰۱ تصمیمات مهمی را در خصوص جایگاه قربانی جرم و نوع نیازها و حمایت از قربانیان در رسیدگی‌های کیفری، اتخاذ نموده

9. Code of Practice for Victims 2005.

10. Fenwick, op.cit., pp. 317- 323; See : The Companion Web Page for links to Information on Current Policy Developments.

11. Williams , B., "The Victims Charter: Citizens as Consumers of the Criminal Justice Service , Howard Journal, Vol. 38(4) , 1999. pp. 384-396.

۱۲. مواردی چون کمک و مشاوره‌ی پزشکی، اطلاعات راجع به جریان دعوا، راهنمایی و هدایت وی در مورد انتظاراتی که از دادگاه دارد، دادن فرصت به وی برای بیان تاثیراتی که جرم بر او داشته است، کمک برای تهیه‌ی فرم برای تقاضای جبران خسارت دولتی، ارایه‌ی اطلاعات در خصوص تاریخ آزادی مجرم، احساس هم‌دردی و احترام، کمک و مساعدت حقوقی، تسریع در فرایند دادرسی، حمایت از او در برابر انتقام و ترس در فرایند دادرسی و حمایت از خلوت و هویت وی و هم‌چنین شناسایی قربانی و نیازهای خاص وی که البته هریک بر اساس شخص قربانی و امکاناتی که در هر کشور است متفاوت، متعدد و متغیر خواهد بود. رک. Ibid.

13. Ibid., pp. 107- 109.

است.^{۱۴} بر اساس یکی از این تصمیمات که از مارس ۲۰۰۲ قابلیت اجرایی پیدا کرده، از جمله نیازها و حقوق اساسی و مهم قربانی جرم، حق دریافت هزینه‌هایی است که به واسطه‌ی شرکت در جریان دادرسی متحمل می‌شود.

در راستای همین سیاست‌ها است که از دهه‌ی هشتاد میلادی عموماً و از آغاز سال ۲۰۰۰ میلادی خصوصاً، اقدامات تقنینی و اجرایی متعددی در انگلستان در مورد برآورد نمودن نیازها و حقوق قربانیان جرم انجام گرفته است.

وقوع جرم اغلب با ورود خسارت و آسیب جسمانی برای قربانی همراه است. یک سیاست حمایتی زمانی می‌تواند مدعی حمایت از قربانی جرم باشد که اقدامات و لوازم مقتضی را برای جبران خسارات و آسیب‌های وارده و اعاده‌ی شرایط پیش از وقوع جرم فراهم نماید. در قوانین کیفری انگلستان عموماً دو شیوه برای جبران خسارت قربانی جرم در نظر گرفته شده است؛ یکی جبران خسارت از سوی مجرم و دیگری جبران خسارت توسط دولت. پیش از پرداختن به شیوه‌های جبران خسارت، نخست دلایل نظام عدالت

۱۴. این شورا نیز نیازها و حقوق متعددی را برای قربانی جرم پیش‌بینی نموده که شامل حق برخورد محترمانه، به رسمیت شناختن نقش مناسب و واقعی آنان در رسیدگی‌های جزایی، حق استماع اظهارات آنان در مراحل دادرسی و ارابه‌ی دلایل و تضمینات، ارابه‌ی اطلاعات به آنان در خصوص نوع حمایت قابل دسترس، چگونگی دسترسی به آن‌ها برای حمایت و راهنمایی، آگاهی از نتایج شکایت آنان در تعیین مجازات، آزادی مجرم و سرانجام اقداماتی برای به حداقل رساندن مشکلات ارتباطی که در دادرسی‌ها پیش می‌آید، دسترسی به مشاوره‌های حقوقی در رابطه با نقش آنان در دادرسی کیفری و حمایت‌های حقوقی، حمایت مناسب و معقول از جمله حمایت از حق خلوت آنان و بهره‌مندی از اقدامات متعددی برای به حداقل رساندن مشکلات قربانیان به‌ویژه در رسیدگی به جرایم سازمان یافته می‌باشد. برای اطلاع بیشتر ر.ک.

Sandra , Walklate, Imaging the Victim of Crime, New Yourk, Open University Press, 2007.

کیفری انگلستان در توجه به قربانی جرم برای جبران خسارات وی بیان می‌شود.

الف) دلایل روی کرد جبرانی به خسارات قربانیان

یکی از صاحب نظران^{۱۵} حقوق کیفری بیان می‌دارد که ناکارآمدی و غیرمنصفانه بودن نظام جبران خسارت‌های مدنی برای صدمات وارده به قربانی جرم بی‌گمان مهم و اساسی‌ترین عامل برای اتخاذ این روی کرد بوده است. چنانچه فرد بخواهد از طریق نظام مدنی به موفقیتی دست یابد با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو خواهد شد. در دعوای مدنی خطای ارتكابی باید منطبق با معیارهای قانونی بوده و مصدوم و یا متضرر می‌بایست فرد خاصی را معرفی و ادعایش همراه با ادله‌ی اثباتی باشد. باید اذعان داشت که رعایت تمام این شرایط برای قربانی جرم سخت و دشوار است و حتی در صورت موفقیت، ممکن است به دلیل ناکافی بودن دارایی مجرم به نتیجه‌ی اصلی که همانا جبران خسارات می‌باشد نایل نشود. در این بین به شرایطی مانند اهلیت اقامه‌ی دعوا نیز بایستی توجه نمود^{۱۶}.

دلیل دومی که می‌توان بیان کرد آن است که تا اواخر دهه‌ی هفتاد تقریباً قربانی جرم در نظام عدالت کیفری و جرم‌شناسی نادیده گرفته شده بود و غیر از نظرات فون هانتیک و مندلسون^{۱۷} که عمده‌ی کار آن‌ها بر مسئولیت قربانی جرم در پدیده‌ی مجرمانه متمرکز بود

15. Geen, H., *Paths to Justice: What People Do and Think about Going to Law*, Oxford, Hart Publishing, 1999, pp. 15-16.

۱۶. از جمله شرایط اقامه‌ی دعوای مدنی در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی این است که خواهان موانعی از قبیل صغر سن، عدم رشد، جنون و یا عدم اهلیت قانونی را نداشته باشد؛ در غیر این صورت خواننده با ایراد به هریک از موانع مذکور مانع رسیدگی به دعوا می‌شود. رک. ماده‌ی ۸۲ قانون مذکور.

۱۷. این دو (Von Hanting, Mendelson) بین سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۶ به بررسی منش، شخصیت و رابطه‌ی قربانی جرم و سایر اوضاع و احوال موجود در آستانه‌ی ارتكاب جرم و به‌طور کلی نقش و سهم وی در تکوین جرم پرداختند. برای اطلاع بیش‌تر رک. محمودی، فیروز و دیگران، "میزگرد عدالت برای بزه دیدگان"، مجله‌ی حقوقی دادگستری، شماره‌ی ۳-۵۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، صص. ۷۴-۸.

و روی کرد قابلیت سرزنش قربانی جرم را در پیش گرفته بودند، حمایت از قربانی جرم در نظام عدالت کیفری انگلستان جایگاهی نداشت. در آغاز دهه‌ی هشتاد است که به لحاظ توجه فزاینده به تاثیر جرم بر قربانی و نگرانی خاصی که برای قربانیان تجاوز به عنف، خشونت‌های خانوادگی، جرایم تنفر نژادی و فعالیت گروه‌های ضدنژادی و حرکتهای فمینیستی به وجود می‌آید، بزه‌دیده (قربانی) شناسی تقویت و در آن موج جدیدی ایجاد می‌گردد^{۱۸}.

دلیل بعدی در مورد توجه به قربانی جرم تمرکز و توجه به عدالت استحقاقی است. توجه به قربانی جرم نه تنها برای عدالت استحقاقی مشکلی به‌وجود نمی‌آورد بلکه بر عکس، ترغیب به جبران خسارت قربانی جرم از خصوصیات عدالت استحقاقی می‌باشد؛ به این ترتیب که بر اساس مجازات‌های استحقاقی که از اوایل دهه‌ی نود میلادی در انگلستان مبنای تعیین کیفر قرار گرفت، مجازات و کیفر بایستی متناسب با میزان قابلیت سرزنش و میزان سودی باشد که مجرم به دست آورده است. در این دیدگاه استرداد منافع حاصل از جرم، از مواردی است که در محاسبه‌ی میزان شدت جرم و مجازات متناسب آن مورد توجه قرار می‌گیرد. تاثیر این دیدگاه را می‌توان در تصویب قانون قاچاق مواد مخدر ۱۹۸۶ مشاهده کرد. این قانون به دادگاه اجازه می‌دهد تا به استرداد و مصادره‌ی منافع ناشی و حاصل از جرم اقدام نماید. استرداد منافع حاصل از جرم در این دهه نسبت به گذشته اهمیت بیش‌تری پیدا می‌نماید و پیش‌درآمد مقررات کلی‌تری می‌گردد که نمود آن را می‌توان در قانون عدالت کیفری ۱۹۹۳ در قسمت «VI» دید. گسترش فعالیت‌های تروریستی و پول‌شویی و توجه به جرایم سازمان‌یافته انگیزه‌های بیش‌تری برای توجه به استرداد و جبران خسارت وارده به قربانی جرم (به معنای اعم آن شامل جامعه، اشخاص حقوقی و

18. Sanders, M. A., "Victim Participation in an Exclusionary Criminal Justice System", in: C. Hoyle and Young (eds), *New Versions of Crime Victims*, Oxford, Hart Publishing, 2002, p. 198.

حقیقی) ایجاد کردند. در قوانین مربوط به این جرایم، عدالت و تناسب مبنای توجیهی جبران خسارت قربانی جرم اعلام گردید و از سوی مدافعان حتی روی‌کردی گسترده‌تر مورد حمایت و تاکید قرار گرفت.^{۱۹}

دلیل دیگری که در این میان می‌توان برشمرد این است که در دهه‌ی هشتاد به‌طور کلی و در انگلستان از ۱۹۹۱ به‌طور خاص گرایش آشکاری برای تعیین مجازات‌های هماهنگ و جلوگیری از مجازات‌های غیرمعین و ناهماهنگ بر مبنای مجازات‌های استحقاقی رونق گرفت. البته این گرایش در تمام کشورها با اقبال مواجه نگردید لکن تجربه‌ی اتخاذ روی‌کرد اصلاح‌گرایانه نسبت به مجازات و عدم اقبال به آن موقعیتی را برای طرف‌داران عدالت ترمیمی به‌وجود آورد که بتوانند این خلا را پر کنند و این مبنا را برای تعیین مجازات در کنار دیدگاه مجازات‌های استحقاقی که مبنای اصلی تعیین مجازات در انگلستان است قرار دهند.

جلب اعتماد عمومی به نظام عدالت کیفری از دیگر انگیزه‌هایی است که مقامات کشور انگلستان را واداشته برای قربانیان جرم در نظام عدالت کیفری نقش بیش‌تری قایل شوند. وزارت کشور انگلستان در سال ۲۰۰۲ اعلام نمود «ما قربانیان و شهود را در مرکز و قلب سیستم عدالت کیفری قرار داده‌ایم و اطمینان می‌دهیم که آن‌ها عدالت را بیش‌تر و بهتر دریافت دارند. ما آن‌ها را حمایت می‌کنیم و به آن‌ها اطلاع می‌دهیم و آن‌ها را قدرتمند می‌نماییم که بتوانند بهترین دلایل خود را در محیطی امن، تا جایی که امکان دارد، ارائه دهند».^{۲۰}

جایگاه قربانیان جرم را در سیاست‌های قضایی انگلستان می‌توان به صورت مشخص در بیان یکی از مسئولین قضایی این کشور مشاهده کرد؛ «عدالت ترمیمی به قربانیان

19. See: Richards, M., Censure Without Sanctions, Winchester, Waterside Press, 1998.

۲۰. مهرا، نسرین، "کیفر و چگونگی تعیین آن در فرایند کیفری انگلستان"، مجله‌ی تحقیقات حقوقی، شماره‌ی ۴۵، بهار و تابستان ۱۳۸۶، ص. ۷۱.

چیزهایی را ارایه می‌دهد که عدالت سنتی نمی‌تواند. هدف آن [عدالت ترمیمی] کسب رضایت قربانی و پیش‌گیری از تکرار جرم و کاهش آن و ایجاد اعتماد به نظام عدالت کیفری و الزام به شرکت گسترده‌تر شهروندان برای یافتن راه‌حل‌های مثبت و سازنده به-منظور حل موضوع جرم و رفتارهای ضد اجتماعی است^{۲۱}. این همه توجه به قربانی این تردید را به‌وجود آورده که ممکن است از قربانی به‌عنوان ابزاری در جهت اجرای سیاست‌های خاص دولت استفاده شود؟ جکسون^{۲۲} در این باره می‌گوید: «دلیل این همه حمایت از قربانی روشن نیست. هنگامی که دولت کارگر سیاست خود را بر برخورد شدید با مجرم و حمایت از قربانی جرم به‌منظور جلب اعتماد عمومی به نظام عدالت کیفری بیان می‌دارد، این با اهداف دیگری که بیان رفع نگرانی‌های قربانی جرم است در تضاد قرار می‌گیرد و لذا این گمان به‌وجود می‌آید که از قربانی به‌عنوان ابزاری برای تحقق اهداف دیگر دولت استفاده می‌شود و در پشت این استدلال‌ها هدف دیگری که کاهش جرم و شرکت مردم برای کاهش و یا پیش‌گیری از جرم است، پی‌گیری می‌گردد».

طرح دیدگاه‌های سیاسی در خصوص لزوم توجه به خواسته‌های قربانیان در رسیدگی‌های کیفری باعث جلب نظر قربانیان جرم به این گونه دیدگاه‌ها و توسعه‌ی دخالت قربانیان در فرایند دادرسی بوده است. در انتخابات سال‌های ۱۹۹۷ و ۲۰۰۵-۲۰۰۱ انگلستان حزب کارگر هدف خود را بازسازی نظام عدالت کیفری اعلام نمود؛ بازسازی نظام عدالت کیفری از طریق دادرسی سریع و برخورد شدید^{۲۳} و تعیین مجازات و دخالت

21. Secretary of State for Constituional Affairs and Lord Chancellor , Speaking to Magistrates at Newcastle University , 25 July 2003.

22. Jackson , John, "Justice for All : Putting Victims at Heart of Criminal Justice " , Journal of Law and Society , Vol. 30(2) , 2003 , pp. 309-326.

۲۳. حزب کارگر انگلستان برخورد شدید با جرم و عوامل آن را به‌عنوان یکی از شعارهای انتخاباتی خود برمی‌شمرد؛ به‌عنوان مثال بخشی از شعاری که بلر در رقابت‌های انتخاباتی برگزیده بود، این بود:

در مراحل پیش از دادرسی برای بازداشتن مجرمان جوان از ورود به مراحل نظام عدالت کیفری، ارایه‌ی خدمات بیش‌تر به قربانیان و شهود و موثرتر نمودن مجازات‌ها و اطمینان از این‌که نظام عدالت کیفری به بهترین نحو عدالت را تضمین و اجرا نماید.^{۲۴} به همین جهت است که اقدامات تقنینی و اجرایی گسترده‌ای برای رفع نگرانی‌ها در خصوص نظام عدالت کیفری انگلستان صورت گرفته است.

با این توضیح و با توجه به تحولات قانونی، اجرایی و قضایی در انگلستان، جبران خسارات وارده به قربانی جرم به‌عنوان یکی از طرق توجه به قربانی و شاید مهم‌ترین اقدام برای اعاده‌ی وضع وی مورد توجه قرار می‌گیرد.

ب) جبران خسارت توسط مجرم

در قوانین کیفری انگلستان شیوه‌های مختلفی برای جبران خسارات وارده به قربانی جرم پیش‌بینی شده است:

- ۱- جبران خسارت از طریق استرداد اموال و منافع ناشی از جرم
این اقدام که در واقع کارآمدترین شیوه‌ی جبرانی است موجب خواهد شد که وضعیت قربانی تا جای ممکن به قبل از ارتکاب جرم علیه او باز گردد. این شیوه عموماً ناظر به مواردی است که امکان این استرداد وجود داشته باشد، و لذا شامل استرداد عین اموال و یا اموال و منافع ناشی از جرم می‌شود.
- در مورد استرداد اموال و منفعی که قربانی جرم در اثر ارتکاب جرم از دست می‌دهد، قوانین کیفری انگلستان مقررات متعددی را پیش‌بینی کرده است. اولین مقرر در

←

"Tough on Crime, tough on causes of the Crime", Stephon, p. Jounes, Criminology, Oxford University Press, 2006, p. 10.

24. Sandra, op. cit., p. 107.

این مورد، ماده‌ی ۲۸ قانون سرقت ۱۹۶۸^{۲۵} است که به دادگاه اجازه می‌دهد دستور استرداد اموال مسروقه (عین) و یا معادل آن‌ها (قیمت یا مثل) را صادر نماید. ماده‌ی ۴۳ قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری^{۲۶} اختیارات محدودی را برای ضبط اموال مرتبط با جرم مقرر می‌داشت؛ اما در همین راستا با اصلاحات به‌عمل آمده از طریق قانون عدالت کیفری^{۲۷} ۱۹۸۸ (به‌موجب ماده‌ی ۶۹) هم‌اکنون دادگاه‌ها مجازاند اموال ناشی از هر جرم را اعم از جرایم قابل صدور کیفرخواست یا اختصاری یا جرایم مستوجب حبس و یا غیر آن، ضبط نمایند.^{۲۸} در ماده‌ی ۱۰۷ این قانون به دادگاه‌ها اجازه داده شده دستور فروش اموال ضبط شده را صادر و از پول حاصل از آن ضرر وارده به قربانی جرم را جبران نمایند.

مقرره‌ی دیگر قانون منافع جرم مصوب سال ۲۰۰۲^{۲۹} است. ماده‌ی ۶ و (۵) ۱۳ این قانون دادگاه‌ها را مکلف می‌نماید در مواردی که مجرم قادر به پرداخت خسارت نیست، با فروش اموال مصادره شده، تمام یا قسمتی از خسارت وارده به قربانی جرم را جبران نمایند. در واقع تصویب این قانون را می‌توان یک گام به جلو برای حفظ منافع قربانی جرم (با الزام دادگاه‌ها و نه اعطای اختیار به آن‌ها) محسوب نمود.

این قانون که برای استرداد منافع غیرقانونی ناشی از جرم تدوین شده، در مقایسه با قوانین پیشین، اقدامات موثرتری را پیش‌بینی کرده است. در این قانون فروض مختلفی برای صدور دستور مصادره‌ی اموال ناشی از جرم در نظر گرفته شده است:

یک- متهم بر اساس ماده‌ی (۲) (۱) ۶ توسط دادگاه جزا محکوم و یا مجازات شود و یا بر اساس ماده‌ی ۷ دادستان از دادگاه مجستریت بخواهد که مجرم را برای تعیین مجازات

25. Theft Act 1986.

26. Powers of Criminal Courts Act 1973.

27. Criminal Justice Act 1988.

۲۸. هم‌چنین ببینید بخش VI قانون مذکور را.

29. Proceeds of Crime Act 2002.

و مصادره‌ی اموال به دادگاه جزا ارجاع دهد. دادگاه جزا در این خصوص بررسی لازم را به عمل خواهد آورد.

دو- دادستان از دادگاه تقاضا نماید بر اساس ماده‌ی ۶ اقدام به مصادره اموال نماید و یا این که پس از ارجاع پرونده به دادگاه جزا، دادگاه راسا مطابق ماده‌ی (۳) ۶ دستور مصادره‌ی اموال را مناسب بداند.

سه- دادگاه بر اساس ماده‌ی (a) (۴) ۶ بررسی نماید که آیا متهم دارای زندگی مجرمانه بوده یا نه؟ چنانچه به این نتیجه رسید که بر اساس ماده‌ی (a)، (b) (۴) ۶ متهم زندگی مجرمانه‌ای داشته نوبت به آن می‌رسد که آیا وی از این نوع زندگی منتفع شده است یا نه؟ در صورتی که او از این نوع زندگی مجرمانه منتفع گردیده، دادگاه باید معین کند که به چه میزان اموال و منافع ناشی از جرم قابل بازگرداندن و در نتیجه قابل مصادره است (ماده‌ی (۵) ۶). پس از طی این مراحل، دادگاه اقدام به مصادره‌ی اموال مجرم می‌نماید.

چهار- و سرآخر اگر قربانی جرم قصد اقامه‌ی دعوا داشته باشد و یا دعوای خود را علیه مجرم اقامه کرده باشد مشروط به این که از رفتار مجرمانه خسارت دیده باشد و یا آسیبی متوجه او شده باشد، به موجب ماده‌ی (۶) ۶ از محل اموال مصادره شده خسارت او جبران می‌شود. به موجب ماده‌ی ۷۲ این قانون دادگاه می‌تواند خسارت قربانی جرم را از محل اموال مصادره شده حتی بدون محکومیت مجرم جبران نماید، مشروط به این که عدم محکومیت مجرم به علت تقصیر جدی نیروهای پلیس و یا تشکیلات دادستانی سلطنتی بوده باشد.

بر اساس ماده‌ی ۸۴ این قانون، اموال قابل مصادره شامل کلیه‌ی اموال منقول، غیرمنقول، مادی و غیرمادی می‌شود و دادگاه هیچ محدودیتی از نظر میزان یا مبلغ مگر رعایت مقدار منفعی که مجرم تحصیل نموده، ندارد.

علاوه بر موارد فوق دادگاه‌ها بر اساس قانون قاچاق مواد مخدر مصوب ۱۹۸۶^{۳۰} برای نخستین بار ملزم شدند اموال و منافع حاصل از قاچاق مواد مخدر را مصادره نمایند. این قانون متعاقباً به موجب قانون عدالت کیفری مصوب ۱۹۹۳ برای تسهیل عملی مصادره‌ی منافع ناشی از جرم دچار تغییراتی گردید. مواد ۱۳-۷ و ۲۸-۲۷ این قانون معیار اثبات دعاوی مدنی را جانشین معیار اثبات دعاوی کیفری، که در آن نباید هیچ شک معقولی برای احراز مجرمیت باشد^{۳۱}، نمود و شرایط بهتری برای جبران خسارت ارایه داد. قانون پیش‌گیری از تروریسم مصوب ۲۰۰۲^{۳۲} نیز از دیگر قوانینی است که اختیارات دادگاه‌ها را برای ضبط اموال ناشی از جرم افزایش و اجازه داده است که از این طریق خسارات وارده به قربانی جرم (به معنای جامعه) را جبران نماید.^{۳۳}

۲- جبران خسارت به عنوان مجازات

الزام مجرم به جبران خسارت قربانی جرم به قانون عدالت کیفری مصوب ۱۹۷۲^{۳۴} برمی‌گردد. این قانون یک سال بعد طی مواد ۳۸-۳۵ قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری مصوب ۱۹۷۳ اصلاح گردید. جبران خسارت به عنوان مجازات و یا بخشی از آن از دهه‌ی هشتاد و در گام نخست برای مواجهه با جوانان مجرم وارد قوانین کیفری کشور انگلستان گردید.^{۳۵} هدف از این تمهید اعطای فرصت روبه‌رو شدن مجرم و قربانی و جبران خسارت

30. The Durg Trafficking Offences Act 1986.

۳۱. اشاره دارد به قاعده‌ی "Beyond Reasonable Doubt".

32. The Prevention of Terrorism Act 2002.

۳۳. در مقررات کیفری ایران نیز می‌توان در مورد الزام متهم به استرداد اموال قربانی جرم به ماده‌ی ۹ لایحه‌ی قانونی مجازات اسلامی و یا ماده‌ی ۶۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و در مورد استرداد اموال و منافع ناشی از جرم از مجرم و حتی متهم، به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ و یا قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ استناد جست.

34. Criminal Justice Act 1972.

۳۵. در ایران جبران صدمات جسمی توسط مجرم به شکل پرداخت دیه و ارش آمده است. آنچه می‌توان در این خصوص و در مقایسه با انگلستان بیان کرد این که اولاً پرداخت خسارت در ایران در قالب دیه و

وی، آگاه کردن مجرم از پیامدهای عمل مجرمانه‌ی وی بر قربانی، مشارکت قربانی در نظام عدالت کیفری و توسعه‌ی عدالت برای قربانی و مجرم بود. نتایج تحقیقات در مورد نخستین اقدامات به عمل آمده در برخی از زندان‌های انگلستان، نشان می‌دهد که این اقدامات حتی تا اواخر دهه‌ی نود جز در مواردی رضایت‌بخش نبوده است.^{۳۶}

مطابق ماده‌ی ۶۷ قانون عدالت کیفری مصوب ۱۹۸۲^{۳۷} که قوانین قبلی را اصلاح نموده، دادگاه‌های کیفری موظف شده‌اند که در مرحله‌ی تعیین مجازات، صدور دستور جبران خسارت برای قربانی جرم را نیز مورد توجه قرار دهند. بعد از آن به موجب مواد ۱۰۴ و ۱۰۵ قانون عدالت کیفری مصوب ۱۹۸۸^{۳۸} پرداخت خسارت به بازماندگان مقتول، جز در جرایم مربوط به راهنمایی و رانندگی، در مورد هزینه‌هایی که متحمل شده‌اند و هم‌چنین پرداخت خسارت به افراد صدمه دیده در اثر جرم (خسارات جزایی) مجاز اعلام و محدودیت‌های گذشته در این ارتباط مرتفع گردید.

قانونی که در انگلستان در این باره هم‌اکنون قابل اجراست مواد ۱۳۴-۱۳۰ قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری مصوب ۲۰۰۰^{۳۹} است. البته جدول شماره‌ی ۳۲ قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳^{۴۰} اصلاح گردیده است.

←

ارش مختص به صدمات جسمی است و نه صدمات روحی و روانی، در حالی که در انگلستان این محدودیت وجود ندارد؛ ثانیا در قوانین کیفری انگلستان محدودیتی از نظر میزان پرداخت خسارت آن‌چنان که در مورد دیه در ایران هست وجود ندارد؛ و ثالثا در انگلستان بر خلاف ایران برای مطالبه‌ی خسارات وارده به قربانی نیازی به تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه‌های دادرسی نیست و به صرف ارایه‌ی درخواست، رسیدگی انجام و دستور پرداخت خسارت به قربانی جرم صادر می‌گردد.

36. Shapland, Joanna, "Restorative Justice and Criminal Justice: Just Responses to Crime ?", in Von Hirsch, A. and et al., Restorative Justice and Criminal Justice, Competing or Reconcilable Paradigms?, Oxford, Hart Publishing, 2003, pp. 195-218.

37. Criminal Justice Act 1982.

38. Criminal Justice Act 1988.

39. Powers of Criminal Courts (sentencing) Act 2000.

در مواد ۱ و ۲ قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری مصوب ۲۰۰۰ آمده است که دادگاه جزا و یا مجیستریست^{۴۱} می‌باید در تعیین مجازات، شرایط و احوال مجرم را همراه با اقداماتی که موجب جبران خسارت قربانی جرم می‌گردد لحاظ نماید. قانون سال ۲۰۰۳ نیز این امکان را به دادگاه داده که در تعیین مجازات‌های اجتماعی و شرایط تعیین شده در این گونه مجازات‌ها اهداف مجازات و جبران خسارت قربانی جرم را ملحوظ نظر قرار دهد. به همین جهت است که ماده‌ی (۲) ۲۰۱ قانون مذکور اجازه می‌دهد برای الزام مجرم به انجام فعالیتی خاص، فعالیت‌هایی که جبران خسارت قربانی است و هدف آن‌ها جبران خسارت قربانی جرم و یا افرادی است که از جرم متاثر شده‌اند در اولویت قرار گیرند. چنین الزاماتی می‌تواند در آزادی زندانیانی که بخشی از مجازات سالب آزادی را سپری کرده‌اند موثر بوده و آنان را تشویق به جبران خسارت قربانی جرم نماید. در مواد ۱۳۸-۱۳۰ قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری مصوب ۲۰۰۰ مقرر گردیده است:

یک- حداکثر مبلغ موضوع دستور جبران خسارت که دادگاه‌های مجیستریست می‌توانند صادر نمایند پنج هزار پوند است؛ اما براساس ماده‌ی (۲) و (۱) ۱۳۱ همان قانون محدودیتی برای دادگاه جزا در این مورد وجود ندارد.

دو- دستور جبران خسارت می‌تواند جای‌گزین هر اقدام و یا مجازاتی شود که دادگاه برای مجرم در نظر دارد، مگر در مورد مجازات‌های اجباری که در مواد ۱۱-۱۰۹ آمده است (ماده‌ی (۱) ۱۳۱).

سه- دادگاه می‌تواند همراه با هر تصمیمی که برای فرد محکوم اتخاذ می‌نماید، برای جبران صدمات، زیان و عدم نفعی که در اثر جرم به قربانی وارد آمده، حکم مقتضی را به نفع قربانی جرم صادر نماید (ماده‌ی (a) (۱) ۱۳۰).

←

40. Criminal Justice Act 2003.

41. Crown Court and Magistrate Court.

چهار- دادگاه در مورد جرایم منجر به مرگ، جز در تصادفات و حوادث وسایط نقلیه، می‌تواند دستور جبران هزینه‌های کفن و دفن را صادر نماید (ماده‌ی (b) (۱) (۱۳۰)). این مقرر به هر کسی که اقدام به پرداخت هزینه‌های کفن و دفن نماید تسری می‌یابد (ماده‌ی (۹) (۱۳۰)).

پنج- دادگاه در صورت صادر نکردن دستور جبران خسارت، بایستی دلایل خود را در رای بیان نماید (ماده‌ی (۳) (۱۳۰)).

شش- در خصوص ایراد صدمه‌ی بدنی و خسارت جزایی به اموال در اثر سانحه‌ی وسایط نقلیه، همان‌طور که در قانون سرقت مصوب ۱۹۶۸ هم پیش‌بینی شده، عمل می‌گردد و دادگاه دستور پرداخت خسارت وارده را از سوی مجرم به نفع قربانی صادر می‌نماید، مشروط به این‌که بیمه نباشد (ماده‌ی (b) (۶) (۱۳۰)).

هفت- در مواردی که دادگاه می‌تواند هم‌زمان حکم به پرداخت جزای نقدی و نیز دستور جبران خسارت وارده به قربانی را صادر نماید ولی برای مجرم امکان اجرای هر دوی آن‌ها وجود ندارد، دادگاه بایستی صدور دستور جبران خسارت را در اولویت قرار داده و از صدور حکم به پرداخت جزای نقدی خودداری نماید ((b) (۱۲) (۳۰)).

هشت- در مواردی که قربانی هم در دادگاه حقوقی و هم دادگاه کیفری هم‌زمان خسارات وارده را مطالبه می‌کند، دادرسی‌های این دو دادگاه هیچ یک مانع دیگری برای صدور حکم به نفع قربانی جرم نخواهد بود، لکن در صورت صدور حکم در هر دو دادگاه، خسارات تا میزان خسارت وارده به قربانی جرم قابل پرداخت خواهد بود (ماده‌ی (۱) (۲) (۱۳۴)).

نه- چنان‌چه سن مرتکب زیر هیجده سال باشد، والدین و یا سرپرست وی محکوم به جبران خسارت وارده به قربانی خواهند شد (ماده‌ی (۱۳۷) و در این مورد نیز جبران خسارت نسبت به پرداخت جزای نقدی در اولویت است (c) (۱۳۸)).

در قانون مصوب ۲۰۰۳ به موجب ماده‌ی ۲۲ اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی در خصوص بزرگسالان توسط دولت پیش‌بینی شده است. هدف این مقررات بیش‌تر ناظر به

شیوه و کیفیت جبران خسارت پس از محکومیت مجرم است که از طریق دستورات مراقبتی و سرویس زندان در صدد میزان رضایت‌مندی قربانیان جرم است. به علاوه، دولت از طریق نهادهای داوطلب سعی می‌کند فهم و درک عدالت ترمیمی را میان مردم و متخصصان افزایش دهد. یکی از نتایج این مهم آن است که قانون‌گذار در قوانین متعدد، جبران خسارت و یا تعهد به جبران آن را از سوی مجرم موجب تاخیر در تعیین مجازات و یا تخفیف آن دانسته است (ماده‌ی ۲۷۵ و جدول شماره‌ی ۲۳ قانون عدالت کیفری مصوب ۲۰۰۳).

۳- جبران خسارت از طریق اخطار مشروط^{۴۲} برای مجرمان بزرگ‌سال تا سال ۲۰۰۳ در مورد اخطار به مجرمان بزرگ‌سال در کشور انگلستان مقررهای وجود نداشت؛ تنها در قانون جرم و بی‌نظمی سال ۱۹۹۸^{۴۳} در ارتباط با مجرمان جوان و کودک مقرراتی پیش‌بینی شده بود. با وجود توجه به این نوع اقدامات در قانون سال ۲۰۰۳، امروزه کم‌تر برای جبران خسارت قربانی جرم در انگلستان از این شیوه بهره برده می‌شود.^{۴۴}

به‌موجب ماده‌ی ۲۲ قانون عدالت کیفری مصوب ۲۰۰۳ دادگاه می‌تواند در صورت اطمینان از توانایی مجرم برای جبران خسارت وارده به قربانی و یا تسهیل اصلاح مجرم اقدام به صدور اخطاری به وی نماید. این اخطار که بر اساس ماده‌ی (۴) ۲۲ قانون مذکور توسط پلیس و تشکیلات دادستان سلطنتی اجرا می‌گردد، زمانی قابل صدور است که مطابق ماده‌ی ۲۳ از جمله دلیل کافی بر ارتکاب جرم توسط متهم وجود داشته باشد و تشکیلات دادستان سلطنتی قانع شود که باید اخطار صادر گردد. بنابراین تصمیم نهایی را در این زمینه دادستانی می‌گیرد. بدون تردید دادستانی برای صدور چنین اخطاری به

42. Conditional Cautions.

43. Crime and Disorder Act 1998.

44. Sandra, op. cit., p.167.

مرتکبان جرایم شدید و یا مجرمانی که دارای سوابق مشابه و یا مستحق مجازات حبس اند، تمایلی نشان نخواهد داد. قانون محدودیتی برای الزامات مندرج در این اخطار پیش‌بینی نکرده و لذا این الزامات می‌تواند از جمله پرداخت خسارت قربانی جرم باشد، ولی این شرایط مسلماً نباید با حقوق اساسی متهم مانند احترام به حق خلوت و زندگی خانوادگی وی مغایر باشد.^{۴۵}

۴- جبران خسارت با روش اخطار غیررسمی^{۴۶} و نهایی (رسمی^{۴۷}) به مجرم جوان در قانون جرم و بی‌نظمی مصوب ۱۹۹۸ قرار ارجاع^{۴۸} مجرمین جوان به هیئت رسیدگی برای صدور اخطار نهایی پیش‌بینی شده است؛ میانجی‌گری بین قربانی و مجرم، و عذرخواهی و یا جبران خسارت از قربانی و جامعه به‌عنوان بخشی از اقداماتی است که برای کاهش تکرار جرم توسط مجرمین جوان در نظر گرفته شده است؛ موارد جبران خسارت نیز می‌تواند به دستورات دادگاه‌ها اضافه گردد. این قانون تأکید دارد که مجرم جوان باید بتواند از طریق پرداخت خسارت به قربانی جرم، هم آموزش ببیند و هم ماهیت و پیامد اعمال مجرمانه‌اش را درک نماید؛ به این امید که از تکرار جرم خودداری نماید و هم‌زمان خسارت قربانی جرم را نیز پرداخت نماید. این قانون راه‌هایی را ارائه می‌دهد تا بین طرفین نزاع به نوعی پیوند برقرار شود با این هدف که هم قربانی و هم مجرم از این طریق به جامعه باز گردند. برنامه‌های ارائه شده در این قانون می‌تواند شامل جبران خسارت مستقیم و غیرمستقیم برای قربانی جرم و یا جامعه شود؛ اجرای یک مجازات اجتماعی که مجرم ملزم به جبران خسارت برای جامعه و یا هر فردی که از اعمال مجرمانه‌ی او صدمه دیده، بشود.

۴۵. به‌موجب مواد ۲۲ و ۲۳ قانون مذکور دادستانی باید دلیل کافی بر ارتکاب جرم متهم داشته باشد و یا متهم اقرار به ارتکاب جرم خود بنماید و اخطار صادره در ارتباط با جرم ارتكابی باشد. دادستانی باید در مورد اثر شرایط اخطار به مجرم توضیح دهد و به وی اخطار کند که در صورت عدم رعایت شرایط مندرج می‌تواند وی را تحت تعقیب قرار دهد.

46. Reprimand.

47. Final Warning. See: Section 65 and 66 of the Crime and Disorder Act 1998.

48. Referral Order. See: Part 1 of the Youth Justice and Criminal Evidence Act 1999.

این الگو موجب می‌شود که هم افرادی که در فرایند دادرسی شرکت دارند و هم جامعه از اوضاع قربانی مطلع شوند و بتوانند نیازهای او را کامل‌تر و بهتر برآورده کنند. در این راستا قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری مصوب ۲۰۰۰ در مواد ۷۵-۷۳ مقرر داشته دادگاه می‌تواند دستور جبران خسارت^{۴۹} را برای حداکثر بیست و چهار ساعت در یک دوره‌ی سه ماهه و هم‌چنین قرار انجام کار و یا خوداری از انجام کار معین^{۵۰} را برای یک دوره‌ی سه ماهه در مورد مجرمین جوان صادر نماید. مجرم در این نوع دستور ملزم به جبران خسارت قربانی می‌شود؛ حتی این دستورات می‌تواند به تنهایی به نفع قربانی و جامعه صادر گردد. این تمهیدات را در قانون عدالت کیفری می‌توان در قالب مجازات‌های اجتماعی نیز صادر نمود.

مواد ۳۷، ۳۸، ۴۱ و (۵) ۴۲ قانون جرم و بی‌نظمی با پیش‌بینی هیئت‌های^{۵۱} رسیدگی به

به موجب قانون جرم و بی‌نظمی مصوب ۱۹۹۸ و قانون عدالت صغار و دلایل کیفری مصوب ۱۹۹۹ این قرار که از سوی دادگاه صادر می‌گردد مجرمین از این نوع را به کمیسیون محلی اطفال معرفی و این کمیسیون اقدام به تشکیل هیئت اطفال و نوجوان بزه کار (Youth Offender Panels) می‌نماید. هیئت اطفال نوجوان بزه کار پس از بررسی موضوع، سعی خواهد کرد برنامه‌ای را که هدف آن پیش‌گیری از جرم است پی بگیرد و پس از توافق با متهم اقدام به ارایه‌ی برنامه‌ای برای مجرم نماید. از جمله‌ی این برنامه‌ها، جبران خسارت قربانی جرم است. برای اطلاع بیشتر در این مورد نک.

۱- مهرا، نسرین، "نرمیمی شدن عدالت کیفری صغار در انگلستان و ولز"، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد اشوری)، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۳، ص. ۱۶۹.

2- Wargent, M., "The New Governance of Probation", Howard Journal, Vol. 41(2), 2002, pp. 182-200.

3-Duff, A., Probation, "Punishment and Restorative Justice: Should a Truism be Engaged in Punishment?", Howard Journal, Vol. 42(2), 2003, pp 81-97.

49. Reparation Orders.

50. Action Plan Order.

۵۱. هیئت عدالت جوانان (Youth Justice Board) و کمیسیون محلی اطفال بزه کار (Youth Offending Team (YOT و هیئت اطفال و نوجوان بزه کار (Youth Offender Panel) در سطوح کشوری و محلی وظیفه‌ی رسیدگی به تدوین، تنظیم و تصمیم‌گیری در خصوص چگونگی برخورد با

اعمال مجرمانه‌ی افراد زیر هیجده سال این امکان را فراهم آورده که از طریق نظام اخطارهای غیررسمی و رسمی اقدام به جبران خسارت قربانی جرم نمایند. براساس ماده‌ی (b) (۲) (a) ۸ قانون عدالت جوانان ادله‌ی کیفری مصوب ۱۹۹۹ هیئت اطفال و نوجوانان بزه‌کار می‌تواند حکم به جبران خسارت برای قربانی جرم و یا دستور انجام اقداماتی مانند کار بدون مزد در جامعه، پرداخت وجه و دیگر شیوه‌های ترمیمی نظیر میانجی‌گری را صادر نماید.^{۵۲} براساس قانون جرم و بی‌نظمی پلیس^{۵۳} می‌تواند اقدام به صدور اخطار غیررسمی برای مجرمان کم‌تر از هیجده سال نماید، مشروط به این‌که دلیل کافی بر ارتکاب جرم از سوی مجرم وجود داشته باشد و یا مجرم اقرار به ارتکاب جرم نموده و از نظر پلیس هم به نفع عموم نمی‌باشد که او تعقیب گردد. در این صورت در مقر پلیس^{۵۴} و در حضور والدین یا سرپرست، یا نماینده‌ی قانونی و یا مددکار اجتماعی محلی اخطاری به وی داده می‌شود. پس از آن، مجرم به کمیسیون محلی اطفال بزه‌کار ارجاع^{۵۵} داده می‌شود و کمیسیون مذکور پس از ارزیابی شرایط، برنامه‌ای را برای وی مقرر می‌دارد. این برنامه می‌تواند شامل ملاقات با قربانی جرم و یا عذرخواهی از او و یا استماع پیامدهایی که جرم برای قربانی داشته و یا برنامه‌ی کاری و جبران خسارت برای قربانی جرم باشد.^{۵۶} به هر حال صرف‌نظر از اهداف دیگر این برنامه، جبران خسارت قربانی جرم، از مبانی اساسی و بنیادی

←

بزه‌کاران کم‌تر از هیجده سال را در انگلستان به عهده دارند. پس از این‌که از سوی دادگاه و یا پلیس و یا دادستان این نوع مجرمان را به این هیئت‌ها ارجاع دادند، آن‌ها در مورد نوع و میزان اقدامی که در جهت اصلاح و تنبیه این مجرمین لازم است اتخاذ تصمیم می‌نمایند.

52. Ward, R., and Akhtar, A., Walker and Walker's English Legal System, Oxford University, 2008, p. 547.

53. Constable.

54. Police Station.

۵۵. ماده‌ی (۱) ۶۶ قانون جرم و بی‌نظمی مصوب ۱۹۹۸.

56. Ward, op. cit., p. 564.

اتخاذ چنین روی کردی از سوی قانون‌گذار انگلستان است.^{۵۷}

۵- روی کرد دادگاه‌ها در صدور دستور جبران خسارت به عنوان مجازات

دستور جبران خسارت می‌تواند پاسخی ایده‌آل برای رفع مشکلات قربانیان جرم باشد که اصولاً بایستی خواسته خود را در دادگاه‌های مدنی پیگیری نمایند. اولویت جبران خسارت به پرداخت جزای نقدی و الزام دادگاه‌ها به ارایه دلایل در صورت صادر نمودن دستور جبران خسارت، دلالت بر اهمیت و توجه قانون‌گذار انگلیسی به موضوع جبران خسارت قربانی جرم و تسریع در رسیدگی و پرداخت آن دارد.

با این حال برخی مشکلات نظری و عملی در این باره وجود دارد. آمارها نشان می‌دهد^{۵۸} با وجود اصلاحات به عمل آمده در قانون عدالت کیفری مصوب ۱۹۸۸ از کل پرونده‌های رسیدگی شده در سال ۱۹۸۹، تنها هفده درصد از آن‌ها منجر به صدور دستور جبران خسارت قربانی جرم شده است؛ این درصد پیش از تصویب قانون مذکور یازده درصد بوده است. هم‌چنین در دادگاه‌های مجیستری از موارد صدور دستور جبران خسارت از سی و یک درصد به سی و نه درصد در همان سال افزایش یافته است.^{۵۹}

۵۷. در ایران تفکیکی در دادرسی افراد از جهت سنی در نظر گرفته نشده است. بنابراین چنین نهاد قانونی در ایران وجود ندارد. هر چند در برخی موارد دادگاه‌ها با ابتکار خود اقدام به صدور آرایسی در این جهت نموده‌اند، بدیهی است که با توجه به حاکمیت اصل قانونی بودن دادرسی‌ها صدور چنین احکامی ولو به نفع مجرم و قربانی جرم باشد، ره به جای نخواهد برد. بنابراین بایستی به دنبال راه کارهای قانونی گشت. برای اطلاع از چنین احکامی نک. خواجه نوری، یاسمن، "سیاست جنایی قضایی ایران در قبال کودکان بزه‌کار: جلوه‌ها، چالش‌ها و آثار"، فصلنامه‌ی پیش‌گیری از جرم، سال دوم، شماره‌ی چهارم، پاییز ۱۳۸۶، صص. ۱۱۳-۱۳۶.

58. Moxon, D., Corkery, J.M. and Hedderman, C., Some Developments in the Use of Compensation Orders in Magistrates Courts since 1988, Home Office Research Study 126, London, HMSO, 1992, p. 6.

59. Ibid., p. 10.

آمارها در سال ۱۹۹۶ نشان می‌دهد^{۶۰} که گرایش کمی برای صدور دستور جبران خسارت در دادگاه‌ها وجود داشته است. از مجموع مجازات‌های صادره در دادگاه‌های مجیستری تنها نوزده درصد آن‌ها مشتمل بر دستور جبران خسارت برای قربانی جرم بوده که نیمی از آن‌ها مربوط به جرایم خشن و خسارت‌های جزایی بوده است. این رقم در دادگاه جزا تنها هشت درصد بوده است. این سیر نزولی در سال ۲۰۰۸ نیز ادامه داشته، به‌طوری‌که بر اساس آمار ارایه شده در سه ماهه‌ی چهارم این سال از مجموع نود و نه هزار و سیصد و نود و هشت مجازات صادره در دادگاه مجیستری تنها چهارصد و چهارده رای مربوط به جبران خسارت قربانی جرم بوده و در دادگاه جزا در همین دوره از مجموع سی و شش هزار و دویست و سه مجازات صادره تنها یک رای مربوط به جبران خسارت بوده است و در سه ماهه‌ی قبل از آن هیچ رایی از سوی این دادگاه در ارتباط با جبران خسارت قربانی صادر نشده است^{۶۱}.

آمارهای سال ۲۰۰۲ نشان می‌دهد که در دادگاه‌های مجیستری مبلغ خسارت چهل و نه درصد از کل جرایمی که منتهی به حکم جبران خسارت گردیده (غیر از جرایم مربوط به راهنمایی و رانندگی) پنجاه پوند و یا کم‌تر بوده است و تنها پنج درصد از آن‌ها بالای پانصد پوند بوده است. در دادگاه‌های جزا که صلاحیت رسیدگی به جرایم شدید را دارند تنها در سی درصد از موارد مبلغ خسارت بالای پانصد پوند بوده و شش درصد پنجاه پوند و کم‌تر از آن بوده است^{۶۲}. به‌طور کلی می‌توان دلایل عدم اقبال قضات برای صدور دستور جبران خسارت را در موارد زیر جستجو نمود.

60. Wasik, M., "Reparation : Sentencing and the Victim", Crim.L.R. 1999, pp. 470-480.

61. [http://www.Bing.com/search.magistrates and crown courts. u. k. criminal statistic and form](http://www.Bing.com/search.magistrates%20and%20crown%20courts.u.k.criminalstatisticandform).

62. Easton, Susan, and Piper, Christine, Sentencing and Punishment, Oxford University, 2005, p. 165.

یک- معمولاً مجرمان از پرداخت خسارت وارده که توسط دادگاه تعیین می‌شود عاجزاند و یا با مشکلات زیادی برای پرداخت آن روبه‌رو می‌شوند. بنابراین قضات تمایل ندارند که اقدام به صدور حکمی نمایند که نتیجه‌ی مثبتی در پی ندارد.

دو- دیدگاه قضات برای صدور دستور جبران خسارت باوجود تاکید قانون، دیدگاهی غیرتنبیهی و غیرکیفری است. این مهم را می‌توان در بیانات رییس دادگاه استیناف روشن‌تر دریافت؛ ایشان اظهار می‌دارد: «دستورات جبران خسارت در قانون ما برای این که مجرم بتواند خودش را از مجازات برهاند ارایه نشده است».^{۶۳} در راستای این تفکر است که پذیرش پرداخت خسارت به قربانی جرم پیش از دادرسی یکی از جهات تخفیف مجازات محسوب می‌گردد.

سه- قضات عموماً دستور جبران خسارت را موضوعی حقوقی تلقی می‌نمایند تا یک امر کیفری و بر همین اساس آن را مجازات نمی‌دانند و بنابراین صدور چنین دستوری را به‌عنوان مجازات هم‌چون حبس در نظر نمی‌گیرند.

به هر حال گرچه صدور این نوع دستور می‌تواند محلی برای اقناع و رضایت قاضی دادگاه، قربانی جرم و مجرم باشد، لکن به نظر می‌رسد تاکنون این موضوع تحقق نیافته است.

ج) اشکال دیگر جبران خسارت توسط مجرم

در پی رونق و ترویج سیاست‌های ترمیمی و یا عدالت ترمیمی در انگلستان استفاده از روش‌هایی چون میانجی‌گری^{۶۴} و برگزاری ملاقات‌هایی بین قربانی جرم و مجرم و بستگان آنان کم و بیش رواج یافته و در برخی موارد این گونه تمهیدات وارد قوانین این کشور نیز گردیده است.

63. Ibid., p.171.

64. Mediation.

در دهه‌ی هشتاد توجه به عدالت ترمیمی و راه‌حل‌های جای‌گزین مجازات با اجرای برنامه‌هایی چون میانجی‌گری بین جرم و قربانی جرم همراه بود. این برنامه‌ها که توسط دولت و یا نهادهای خیریه حمایت می‌شد مبنای متفاوتی از آنچه که به‌عنوان جبران خسارت توسط مجرم و دولت شناخته می‌شد، مطرح ساخت. میانجی‌گری میان قربانی و مجرم بر این عقیده استوار است که جرم پدیده‌ی ناگواری است که عمدتاً مربوط به هر دو طرف می‌شود و لذا این دو بایستی مسئولیت نتایج آن را متقبل شوند. برنامه‌های عملی عدالت ترمیمی در نظام عدالت کیفری انگلستان در دهه‌ی هشتاد در سه مرحله قابل بررسی است.

یک- در مرحله‌ی پیش از تعقیب به‌عنوان بخشی از سیاست بازداشتن مجرمان جوان از ورود به نظام عدالت کیفری؛ دو- مرحله‌ی بین محکومیت و تعیین مجازات^{۶۵}؛ سه- مرحله‌ی تعیین مجازات و به‌عنوان بخشی از مجازات.

اجرای برنامه‌ی میانجی‌گری بین قربانی جرم و مجرم به نظر برخی^{۶۶} غیر از اقداماتی هم‌چون عذرخواهی و دیگر پیشنهادهایی که بیش‌تر جنبه‌ی نمادین دارد، در عمل جبران خسارت قربانی را به دنبال نداشته است. در بعضی مواقع قربانیان برای مشارکت در میانجی‌گری تحت فشار قرار گرفته و مجرمین جوان، کم‌تر پیشنهادی برای جبران خسارت قربانیان داشته‌اند و احتمالاً کسانی راضی به شرکت در چنین برنامه‌هایی بوده‌اند که نیاز کم‌تری به جبران خسارت داشته‌اند. تاکنون مقرراتی غیر از آنچه که تشکیلات دادستانی

۶۵. در نظام دادرسی کیفری انگلستان در پرونده‌هایی که دادگاه جزا رسیدگی می‌کند مرحله‌ی محکومیت غیر از مرحله‌ی تعیین مجازات است. به این شرح که ابتدا هیئت منصفه نسبت به محکومیت و یا براءت متهم تصمیم می‌گیرد و در صورت محکومیت متهم نوبت به تعیین مجازات او از سوی دادگاه می‌رسد و باید بین این دو مرحله‌ی تفکیک قابل گردید.

66. Davis, Benjamin G., Making Amends: Mediation and Reparation in Criminal Justice, London. Routledge, 1992, p. 137.

سلطنتی و پلیس این کشور بر حسب تشخیص خود انجام می‌دهند، در مرحله‌ی اول پیش‌بینی نگردیده است.

در مرحله‌ی دوم، احتمال این که مجرم خود را برای جبران خسارت قربانی از طریق مشارکت در میانجی‌گری آماده کند زیاد است. در کشور انگلستان در دهه‌ی هشتاد وزارت کشور این نوع برنامه‌ها را در چند شهر برگزار نمود اما اعلام گردید^{۶۷} که ارتباط بین مجرم و قربانی برای آن‌ها ناخوشایند بوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد مجرمانی که راضی به این اقدام می‌شوند به جهت دریافت مجازات‌های کم‌تر و در واقع برای پرهیز از محکومیت به مجازات‌های سنگین‌تر می‌باشد، به‌طوری که دوسوم از مجرمان، اقدام مذکور را به این علت قبول ننموده‌اند که احساس می‌کنند قربانیان جرم بر این تصوراند که آن‌ها دروغ می‌گویند و بنابراین میانجی‌گری در این مرحله بی‌نتیجه بوده است.

بند ۱ از ماده‌ی ۱ قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری مصوب ۱۹۷۳ که اجازه می‌دهد تعیین مجازات توسط دادگاه در موردی که محکوم برای جبران خسارت قربانی اعلام آمادگی می‌کند به تأخیر افتد، را می‌توان نخستین مقرره‌ی قانونی انگلستان در این راستا دانست.

با وجود آن که برخی مدعی‌اند^{۶۸} میانجی‌گری و جبران خسارت قربانی از این طریق، موضوعی مرده تلقی می‌گردد ولی برخی^{۶۹} دیگر اعتقاد دارند اجماعی در این خصوص وجود دارد که بایستی در فرایند عدالت کیفری جبران خسارت و یا تلاشی برای به هم نزدیک کردن طرفین پرونده، وجود داشته باشد. با این حال باید دید چرا با وجود تأکید در

67. Young, R. Reparation as mitigation. Crim.L.R. 1989. pp. 463-73.

برای دیدن نظر مخالف ببینید: ویلیامز، "حمایت از بزه‌دیده و نهادهای مردمی"، ترجمه‌ی علی صفاری، مجله‌ی تحقیقات حقوقی دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره‌ی ۴۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۳، صص. ۳۰۴-۳۰۰.

68. Davis, op. cit., vii.

69. Loc.cit.

این مورد، این برنامه‌ها موفق نبوده‌اند؟ دلیل احتمالی آن است که اصول عدالت ترمیمی به ندرت در ارتباط با این برنامه استفاده می‌شود و طرف‌داران عدالت ترمیمی، از میانجی‌گری و جبران خسارت تنها به عنوان ابزاری برای نیل به اهداف اصلی خود استفاده می‌نمایند. هرچند رویکردهای عدالت ترمیمی^{۷۰} می‌تواند منافع زیادی از جمله پشیمانی مجرم،

۷۰. در خصوص میانجی‌گری و استفاده از عدالت غیررسمی در ایران باید گفت تنوع فرهنگ و اقوام و پیشینه تمدنی ایرانیان و از طرفی وجود نظام‌های استبدادی و کمبود کارکنان و کارمندان دادگاه‌ها، و در عین حال شدت برخورد آنان با مراجعان، حاکمیت مذهبی مجتهدان بین مردم، وجود اقلیت‌های مذهبی و در نهایت وجود فاسدترین و ناموثرت‌ترین حکام در اکثر حکومت‌ها از علل و زمینه‌های ظرفیت عدالت ترمیمی و رواج میانجی‌گری در ایران می‌باشند (عزیزی، حشمت‌اله، بسترهای تاریخی ترمیمی در ایران، نشر روزنامه‌ی رسمی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تابستان سال ۱۳۸۸، صص. ۲۲-۱۷). قوانین مدون ایران از ماده واحده‌ی قانون راجع به امور قضایی عشایر و ایلاتی که اسکان داده می‌شوند مصوب ۱۳۳۷ و قانون تشکیلات و وظایف و اختیارات شوراهای اسلامی مصوب ۱۳۷۵ تا راه‌اندازی دوایر مشاوری و مددکاری نیروی انتظامی در سال ۱۳۸۰ و ماده‌ی ۱۸۹ قانون برنامه‌ی سوم توسعه... و قانون تشکیل شوراهای حل اختلاف و تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۱۷۷ و مواد ۱۹۵ و ۲۷۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ همگی دلالت بر وجود زمینه‌ها و گاه الزامات قانونی در فرایند دادرسی‌های کیفری برای حل اختلاف و نزاع بین مجرم و قربانی جرم و تاکید بر جبران خسارت وی دارد. اگرچه به نظر می‌رسد با وجود الزاماتی هم‌چون ارجاع به شوراهای حل اختلاف، دعاوی کیفری نه تنها کاهش پیدا نکرده بلکه افزایش نیز یافته است، میانجی‌گری رسمی در ایران سرنوشتی بهتر از انگلستان پیدا نکرده است. برای اطلاع بیشتر نک.

- ویلیامز، پیشین؛

- عباسی، مصطفی، میانجی‌گری در امور کیفری، چاپ اول، انتشارات دانشور، سال ۱۳۸۲؛

- صادقی، محمد هادی، "میانجی‌گری در دعاوی کیفری"، مجله‌ی قضایی و حقوقی دادگستری، شماره‌ی ۱۲، ۱۳۷۳؛

- حسینی، سید محمد، "مراجع اجتماعی به پدیده مجرمانه در سیاست جنایی اسلام"، مجله‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره‌ی ۵۸، ۱۳۸۱، ص. ۱۰۹ به بعد؛

- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، "از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی"، مجله‌ی تخصصی دانشگاه علوم رضوی، الهیات و حقوق، شماره‌ی نهم و دهم، سال سوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۲، صص. ۳۸-۳۳

۳

بازسازی و بازگشتن وی به جامعه و سازش و جبران خسارت قربانی را به همراه آورد، ولی تحقیقات در دهه‌ی هشتاد در انگلستان نشان می‌دهد که شرکت قربانی جرم در این گونه برنامه‌ها با مشکلاتی مواجه بوده است، میزان شرکت آن‌ها در ملاقات‌ها پایین بوده و برای نصف قربانیان امکان اجرای برنامه‌ی جبران خسارت فراهم نشده است.^{۷۱} تحقیقات در سال‌های اخیر نیز دلالت بر عدم موفقیت و وجود موانعی در اجرای این برنامه‌ها دارد.^{۷۲} آنچه بیان گردید گونه‌های مختلفی بود از الزام مجرم به جبران خسارت قربانی جرم. در انگلستان علاوه بر مجرم، در مواردی دولت ملزم به جبران خسارت قربانی است که در قسمت بعدی به آن پرداخته می‌شود.

د) جبران خسارت دولتی

تلاش برای جبران خسارت قربانی جرم توسط دولت در کشور انگلستان به دهه‌ی ۱۹۶۰ بر می‌گردد. نقش و مسئولیت دولت برای جبران خسارت قربانی با توجه به این واقعیت که جرم در اثر ناتوانی نظام عدالت کیفری در تامین امنیت قربانی واقع گردیده است، مورد اقبال و تصدیق عموم است. در این دیدگاه تعهد دولت به جبران خسارت برخاسته از یک تعهد اخلاقی است چرا که در تامین صحت و سلامت شهروندان خود را

←

- عکاشه، منصور، "فصل در بین عشایر عرب خوزستان"، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۰؛

- طاهری، حسن، "بررسی سیاست جنایی مشارکتی گذشته و حال ایران"، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرکز تهران، ۱۳۷۶.

71. Newburn and et al., The Introduction of Referral Orders into the Youth Justice System: Final Report, Home Office Research Study 242, London, Home Office, VIII.IX, 2002.

72-Miers, D., "Situating and Researching Restorative Justice in Great Britain Punishment and Society", Crim.L.R., Vol. 6(1), 2004, pp. 29-37.

مقصر می‌داند. این دیدگاه از سوی مقامات وزارت کشور انگلستان مورد تاکید قرار گرفته و جبران خسارت دولتی راهی برای جبران خسارت وارده به قربانی دانسته شده است.^{۷۳}

کنوانسیون اروپایی جبران خسارت قربانیان جرم و خشونت در سال ۱۹۸۳ بیان می‌دارد دولت‌ها وظیفه دارند چنان‌چه راه دیگری برای جبران خسارت وارده به قربانی جرم وجود نداشته باشد، اقدام به جبران خسارت وی نمایند.^{۷۴}

جبران خسارت توسط دولت در کشور انگلستان باوجود مناقشاتی که تاکنون کم و بیش ادامه دارد، به دهه‌ی ۱۹۶۰ و به‌طور مشخص برنامه‌ی داوطلبانه‌ای تحت عنوان «هیئت جبران صدمات کیفری»^{۷۵} بازمی‌گردد. تاسیس این هیئت در سال ۱۹۶۴ جزو اولین اقداماتی بود که در اروپا در این خصوص انجام گرفت. بر اساس این طرح به کسانی که در جریان یک عمل مجرمانه آسیب دیده بودند خساراتی پرداخت می‌گردید. این اقدام غیر از رسیدگی‌هایی بود که در دادگاه‌ها انجام می‌شد، البته دادگاه‌ها در تعیین مجازات مجرم در صورتی که از سوی این هیئت خسارت قربانی پرداخت می‌گردید آن را محاسبه می‌نمودند

۷۳. در مورد مبانی جبران خسارت نظرات گوناگونی بیان گردیده که عمده‌ی نظرات را می‌توان نظریات مبتنی بر رفاه و تامین اجتماعی دانست؛ بر این اساس دولت بایستی اقدام به جبران خسارت و تامین زندگی افرادی کند که بدون تقصیر دچار فقر و تنگدستی شده‌اند. برای اطلاع بیش‌تر نک. زاهدی، محمد، مبانی رفاه اجتماعی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۱، ص. ۶۱ و ۶۲. و هم‌چنین:

-Rejda, G. and Meurer, E., "An Analysis of State Crime Compensation Plans", Journal of Risk and Insurance, Dec. 1975, No. 42, pp. 603-605.

-از جمله مبانی دیگر، نظریه‌ی قرارداد اجتماعی است که بر این مبنا افراد در قبال اعطای بخشی از حقوق خود حفظ امنیت اجتماعی و اقتصادی را از دولت مطالبه می‌نمایند و لذا در صورت قصور دولت باید اقدام به جبران خسارت قربانی جرم بنماید. برای اطلاع بیش‌تر نک.

-Wright, M., Justice for Victims and Offenders, Open University Press, 1991, pp. 28-29.

74. European Convention on the Compensation of Victims of Violent Crime 1983.

75. Criminal Injuries Compensation Board.

و قربانی نمی‌توانست دوباره خسارتی از طریق دادگاه مطالبه نماید. برنامه‌ی جبران خسارت ۱۹۶۴ از آن جهت دارای اهمیت است که از آن زمان، دولت مسئولیت ایراد صدمات وارده به شهروندان را در حوزه‌های اجتماعی متقبل می‌شود. به قول هاریس این اقدام گامی رو به جلو در قدرت یافتن سیاسی قربانی جرم است؛ چنین برنامه‌هایی اقدامی نمادین و نشان‌دهنده‌ی نگرانی دولت در مورد قربانیان جرم است و اجازه می‌دهد که دولت بعضی مسئولیت‌های مربوط به صدمات وارده به شهروندان را بپذیرد.^{۷۶}

تا سال ۱۹۸۸ قانون‌گذار انگلیسی قانونی در این باره تصویب نکرده بود و تنها از این سال است که برنامه‌ای قانونی برای جبران خسارت قربانی جرم براساس قانون عدالت کیفری مصوب ۱۹۸۸^{۷۷} در طی مواد ۱۱۸-۱۰۷ پیش‌بینی می‌شود. در این مواد آمده است که هیئت جبران خسارت مجری برنامه‌ی پرداخت خسارت برای صدمات جزایی و مسئول بررسی ادعاهایی است که در این خصوص مطرح می‌گردد. جدول شماره‌ی ۷ این قانون به این موضوع اختصاص داده شده است. ماده‌ی ۱۰۹ این قانون، صدمه‌ی جزایی را صدمه‌ای معرفی نموده که سبب آسیب جسمی یا روانی برای شخص شود که ممکن است ناشی از جرم تجاوز به عنف، ایراد جراحت بدنی، صدمه‌ی ناشی از آتش و یا آتش سوزی عمدی، جرمی که با بی‌احتیاطی سبب مرگ و یا جراحت شود و یا جرمی که موجب به خطر افتادن جان و مال و یا به خطر افتادن آن‌ها بشود، تلاش برای هر گونه انفجار و یا ساختن و یا نگهداری مواد منفجره به قصد به خطر انداختن جان و مال دیگران (بر اساس قانون مواد منفجره ۱۸۸۳)^{۷۸} و یا جرایمی که به موجب قانون سلاح گرم مصوب ۱۹۶۸^{۷۹} و

76. Harris , Robin R., Crime, Criminal Justice and the Probation Service, London , Routledge, 1992, p. 60.

77. Criminal Justice Act 1988 (Sections 107-118).

78. Explosive Substances Act 1883.

79. Firearms Act 1968.

یا جرایمی که به موجب قانون نظم عمومی مصوب ۱۹۸۶^{۸۰} رخ دهند و یا صدمات و آسیب‌هایی که ناشی از جرایم سرقت، آدم‌ربایی و بازداشت غیرقانونی واقع باشد، می‌شود. این قانون به‌طور کلی صدمه‌ی وارده از طریق جرایم مذکور را قابل طرح و بررسی در هیئت جبران خسارت دانسته و قابل پرداخت می‌داند. براساس مواد ۱۱۰-۱۱۲ شرط پرداخت خسارات آن است که صدمه‌ی کیفری در انگلستان و یا در محدوده‌ی آب‌های این کشور و یا در داخل هواپیما و کشتی متعلق به این کشور رخ داده باشد. اگر فرد در اثر صدمه‌ی کیفری فوت کند هزینه‌های کفن و دفن درحد معقول^{۸۱} قابل پرداخت خواهد بود. البته مدعی باید بر اساس معیار سنجش احتمالات، میزان خسارتی که در اثر صدمه‌ی جزایی به وی وارد شده را ثابت نماید. او بایستی بر اساس این معیار ثابت نماید که کلیه‌ی اقدامات متناسب با اوضاع و احوال صدمه‌ی وارده را انجام داده و موضوع را به اطلاع پلیس و یا هر مقام دیگری که هیئت تشخیص می‌دهد رسانده است. چنانچه هیئت احراز نماید که وی خود سبب ورود صدمه بوده می‌تواند از پرداخت خسارت خوداری نماید؛ یعنی اگر قربانی قادر نباشد هیئت را در این خصوص قانع نماید هیئت می‌تواند از پرداخت خسارت امتناع نماید و یا مقدار کم‌تری از آنچه وی ادعا نموده پرداخت نماید. هیئت در صورتی که مناسب تشخیص دهد حتی می‌تواند به علت سابقه‌ی محکومیت قربانی و یا رفتارهای غیرقانونی وی، از پرداخت کل و یا قسمتی از خسارت امتناع نماید.

۱- پرداخت خسارت قربانیان و شهود به جهت حضور در دادرسی

چنانچه قربانی به‌عنوان شاهد در دادرسی‌ها حضور پیدا نماید دادستانی موظف است که کلیه‌ی هزینه‌های متحمل شده را به وی پرداخت نماید. این هزینه‌ها که در قواعد و آیین‌نامه‌ی تشکیلات دادستان سلطنتی برای پرداخت وجوه مربوط به شهود در سال ۱۹۸۸

80. Public order Act 1986.

۸۱ برای دیدن جزئیات شرایط نحوه‌ی پرداخت خسارت وارده به افرادی که مشمول دریافت این نوع خسارات می‌گردند به مواد ۱۰۸ تا ۱۱۵ قانون مذکور مراجعه شود.

مقرر گردیده است^{۸۲}، پرداخت می‌گردد. به این منظور فرمی به قربانی ارائه می‌شود تا وی آن را تکمیل و موارد ادعای خود را برای دریافت هزینه‌ها بیان نماید. دادستانی بایستی ظرف مدت ده روز مبلغ مربوط را به وی پرداخت نماید.

۲- هیئت‌های جبران خسارت قربانی جرم

هیئت‌های جبران خسارت صدمات جزایی امروزه بر اساس آیین‌نامه‌ی اجرایی برای قربانیان جرم مصوب سال ۱۳۸۲^{۸۳} موظف‌اند که کلیه‌ی اطلاعات راجع به صدمات وارده به قربانی جرم را مورد توجه قرار داده و ظرف بیست روز از تاریخ وصول درخواست به آن پاسخ دهند. در صورتی که تصمیم نهایی عدم پرداخت خسارت و یا پرداخت مبلغی کم‌تر از آنچه که درخواست شده باشد، هیئت مربوط بایستی توضیحات لازم و علل آن را به قربانی اعلام دارد. چنانچه این هیئت‌ها نتواند ظرف دوازده ماه در مورد جبران خسارت قربانی تصمیم‌گیری نمایند باید به وی اطلاع دهند که ادعای وی در چه وضعیتی است. از آنجایی که تصمیمات هیئت‌های جبران خسارت قابل تجدیدنظر در مرجع بالاتر می‌باشد^{۸۴} بایستی حق تجدیدنظرخواهی را به اطلاع قربانی رسانده و در صورت درخواست

۸۲. براساس این قواعد قربانیان و شهود برای اوقاتی که وقت خود را صرف می‌نمایند و هم‌چنین کسانی که به‌طور حرفه‌ای باید در دادرسی‌ها حضور یابند مانند پزشکان و یا به علت وضعیت شغلی‌شان مجبوراند فرد دیگری به جای خود بگمارند و یا برای امور زندگی خود فردی را استخدام نمایند مثلاً برای نگهداری فرزند خردسال خود مجبور به به‌کارگیری فردی شوند و به‌طور کلی هرگونه هزینه‌ای که در جریان دادرسی صرف و یا متحمل شوند با رعایت مقررات مذکور، می‌توانند خسارات خود را از دادستانی دریافت دارند؛ هزینه‌های مذکور از طریق دادستان کل و با هماهنگی اداره‌ی خزانه‌داری تعیین می‌گردد. برای اطلاع بیش‌تر رک.

- Crown Prosecution Service Regulation 1988 (Witness, Allowance).

- http://www.opsi.gov.uk/.../si1988/Uksi_19881862_en_1.htm.

83. The Code of Practice for Victims of Crime 2005.

84. The Criminal Injuries Compensation Authority and Criminal Injuries Compensation Appeal Panel.

تجدیدنظر از سوی قربانی، مرجع تجدیدنظر وظیفه دارد درخواست مطروحه را منصفانه و با دقت نظر بر اساس اطلاعات ارایه شده مورد بررسی قرار دهد و در همین راستا است که باید رونوشت کلیه مدارک و اسناد مربوط به پرونده به آن‌ها ارایه گردد.^{۸۵}

در مرحله تجدیدنظرخواهی، مرجع تجدیدنظر نیز باید کلیه اطلاعات مورد نیاز را در این مرحله به قربانی جرم ارایه نماید و او را از سیر رسیدگی آگاه و مطلع نماید. و سرآخر این که مرجع تجدیدنظر، بایستی اطمینان دهد که کلیه اطلاعات در خصوص درخواست قربانی جرم برای وی قابل دسترس خواهد بود.^{۸۶}

۳- مشکلات طرح جبران خسارت دولتی

برنامه‌ی جبران خسارت قربانی جرم توسط دولت، به علت هزینه‌های فوق‌العاده‌ای که در پی دارد از یک طرف و ناتوانی دولت‌ها برای پرداخت و عدم قدرت نظارت بر اجرای آن‌ها از طرف دیگر با مشکلاتی روبه‌رو بوده است و از این رو نتوانسته در انگلستان به اهداف اولیه‌ی خود برسد. در انگلستان سیاستی محدودکننده برای استفاده از چنین برنامه‌ای حاکم است. هر چند که برنامه‌ی هیئت جبران خسارات صدمات جزایی مصوب ۱۹۶۴ کلیه‌ی صدمات ناشی از خشونت و حمله به قربانی جرم را در بر می‌گرفت و تمامی افراد از هر ملیتی را در انگلستان شامل می‌شد، اما هزینه‌های فزاینده‌ی آن، منجر به تصویب مقرراتی محدودکننده از طریق قانون اصلاح جبران خسارت صدمات جزایی مصوب ۱۹۹۵^{۸۷} گردید. بر اساس اصلاحات به‌عمل آمده، افراد مشمول برنامه‌ی قبلی محدودتر شدند؛ هم‌چنین در صورتی که قربانی در ارتکاب جرم علیه خود، قابل سرزنش تشخیص داده شود، میزان جبران خسارت کاهش می‌یابد و یا از پرداخت آن به‌طور کلی خودداری می‌شود. بر همین اساس مواد ۱ و ۲ این قانون بستگانی را که می‌توانند از دریافت این گونه

۸۵. ماده‌ی ۱۳ آیین‌نامه‌ی اجرایی برای قربانیان جرم مصوب ۲۰۰۵.

۸۶. همان، ماده‌ی ۱۴.

87. Criminal Injury Compensation Amendment Act 1995.

خسارت‌ها بهره‌مند شوند محدود و واژه‌ی بستگان و عضو خانواده منحصر به افراد خاصی از خانواده شده است.^{۸۸}

۸۸. برای اطلاع بیش‌تر از این مقررات به قسمت (a)(b) ماده‌ی ۱ و ۲ قانون اصلاح جبران خسارت صدمات جزایی مصوب ۱۹۹۵ مراجعه شود. در این قانون مثلاً عبارت «Dependant and Member of the Family» به «Immediate Family Member» تبدیل گردید و محدوده‌ی افرادی که می‌توانند از خدمات مذکور استفاده کنند و جزو بستگان قربانی تلقی شوند را محدود و مقید نمود که همین مقررات در آیین‌نامه‌ی اجرایی حمایت از قربانیان نیز ذکر گردیده است.

نتیجه‌گیری

از میانه‌ی قرن بیستم در نظام‌های مختلف کیفری به ویژه اروپا و آمریکا شاهد توجه به قربانی جرم، خصوصیات و شخصیت وی در تکوین بزه در کنار سایر عوامل جرم‌زا هستیم. این توجه در دهه‌ی شصت به بعد، قانون‌گذاران و سیاست‌مداران را بر آن داشت که در ابعاد بین‌المللی^{۸۹} و منطقه‌ای^{۹۰} و ملی آن را در قالب حمایت‌های کیفری و غیرکیفری گسترش دهند. به نظر نمی‌رسد تنها هدف و مبنای چنین دیدگاهی احیای حقوق و نیازهای قربانی جرم باشد، بلکه ایجاد اعتماد به سیستم عدالت کیفری، کشف جرم (چرا که قربانی جرم منبع اصلی اطلاعات است)، تلاش نهضت‌های ضد تبعیض نژادی و فیمینستی، گسترش و افزایش مجازات‌های سالب آزادی (که مخارج سنگین و هزینه‌های گزاف را در پی دارند)، شکست دیدگاه اصلاح‌گرایانه‌ی مجازات‌ها، افزایش روزافزون جرم با وجود مجازات‌های سنگین، توجه به قربانی برای حل موضوع و کمک به وی برای حل این تعارض و دلایل دیگر همگی موجب گردید که در دهه‌های هفتاد و هشتاد در کشورهای مختلف از جمله انگلستان جبران خسارت قربانی جرم، جایگاه ویژه‌ای در سیستم عدالت کیفری پیدا نماید. با توجه به این دلایل، نظام کیفری انگلستان علاوه بر پذیرش و الزام مجرم به پرداخت خسارات وارده به قربانی جرم در دادگاه‌های کیفری، دولت را نیز در بسیاری موارد بنا به دلایلی مسئول این جبران خسارت دانسته است.

صدور دستور جبران خسارت توسط دادگاه‌های کیفری، اولویت پرداخت خسارت بر جزای نقدی در تعیین مجازات، پذیرش صدور جبران خسارت به‌عنوان یک مجازات،

۸۹. در سطح جهانی اعلامیه‌ی اصول اساسی عدالت راجع به قربانیان بزه‌کاری و قربانیان سوءاستفاده از قدرت مصوب سال ۱۹۸۵ مجمع عمومی سازمان ملل است که کشورها را به جبران خسارت‌های جسمانی، رنج و درد روحی و مادی قربانیان آن توصیه می‌کند.

۹۰. اولین سند منطقه‌ای کنوانسیون اروپایی راجع به جبران خسارت قربانیان جرایم خشونت به سال ۱۹۸۳ است که دولت‌ها را مکلف نمود با اتخاذ تدابیری خسارت ناشی از جرم را به قربانیان بپردازد.

اختیار صدور مجازات‌های اجتماعی، الزام محکوم‌علیه به انجام کارهای عام‌المنفعه، استرداد اموال قربانی بدون صدور حکم محکومیت مجرم، اعلام آمادگی مجرم بعد از محکومیت برای جبران خسارت قربانی جرم و اختیار تاخیر انداختن تعیین مجازات محکوم، توجه قانون‌گذاران به روش‌های جای‌گزین مجازات، تنوع مجازات‌ها، حاکمیت اصل توازن احتمالات به‌جای رعایت اصل عدم وجود هیچ شک معقول در صدور دستور جبران خسارت در دادگاه‌های کیفری، هم‌خوانی اصول، شرایط و مبانی جبران خسارت با اصل استحقاق^{۹۱} (به‌عنوان مبنای اولیه‌ی تعیین مجازات در این کشور) و بالاخره این‌که قانون عدالت کیفری مصوب ۲۰۰۳ (ماده‌ی ۱۴۲) برای اولین بار جبران خسارت را یکی از اهداف پنج‌گانه‌ی مجازات بیان می‌دارد، همگی دلالت بر توجه ویژه‌ی سیاست‌تقنینی و قضایی حاکم بر انگلستان در مورد جبران خسارت قربانی جرم دارد. با وجود این نباید در توجه و رویه‌ی عملی دادگاه‌های کیفری این کشور در این خصوص اغراق نمود. عدم تمایل دادگاه‌ها برای صدور چنین دستوری، ناتوانی مجرمان در پرداخت خسارت‌های وارده، افزایش جرایم و خسارات وارده به قربانیان جرم، عدم توانایی دولت در پرداخت خسارت وارده به قربانیان، ایجاد محدودیت‌های پرداخت خسارت و وجود دیدگاهی که در صورت تقصیر و یا قابل سرزنش بودن قربانی در ارتکاب جرم، نباید خسارت به وی پرداخت گردد، نظر رایج نزد قضات دادگاه‌های کیفری که جبران خسارت را موضوعی حقوقی می‌دانند و مبالغ موضوع دستور جبران خسارت در آرای صادره از سوی دادگاه‌ها همگی نشان از عدم تحقق یک نظام ملموس جبران خسارت قربانی جرم (چه توسط دولت و چه توسط مجرم با توجه به رویه‌ی عملی و اجرایی دادگاه‌ها) به‌عنوان مبنای اصلی تعیین مجازات (با وجود تأکیدات قانونی و پیشرفت‌های زیاد) در این کشور دارد.

91. Just Desert.

فهرست منابع

الف) فارسی

۱. حسینی، سید محمد، "مراجع اجتماعی به پدیده مجرمانه در سیاست جنایی اسلام"، مجله‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره‌ی ۵۸، ۱۳۸۱.
۲. خواجه نوری، یاسمن، "سیاست جنایی قضایی ایران در قبال کودکان بزه‌کار: جلوه‌ها، چالش‌ها و آثار"، فصلنامه‌ی پیش‌گیری از جرم، سال دوم، شماره‌ی چهارم، پاییز ۱۳۸۶.
۳. زاهدی، محمد، مبانی رفاه اجتماعی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۱.
۴. صادقی، محمد هادی، "میانجی‌گری در دعاوی کیفری"، مجله‌ی قضایی و حقوقی دادگستری، شماره‌ی ۱۲، ۱۳۷۳.
۵. طاهری، حسن، "بررسی سیاست جنایی مشارکتی گذشته و حال ایران"، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکز تهران، ۱۳۷۶.
۶. عباسی، مصطفی، میانجی‌گری در امور کیفری، چاپ اول، انتشارات دانشور، سال ۱۳۸۲.
۷. عزیزی، حشمت‌اله، بسترهای تاریخی ترمیمی در ایران، نشر روزنامه‌ی رسمی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تابستان سال ۱۳۸۸.
۸. عکاشه، منصور، "فصل در بین عشایر عرب خوزستان"، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
۹. محمودی، فیروز و دیگران، "میزگرد عدالت برای بزه‌دیدگان"، مجله‌ی حقوقی دادگستری، شماره‌ی ۳-۵۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۴.
۱۰. مهرا، نسرين، "کیفر و چگونگی تعیین آن در فرایند کیفری انگلستان"، مجله‌ی تحقیقات حقوقی، شماره‌ی ۴۵، بهار و تابستان ۱۳۸۶.

۱۱. مهرا، نسرين، "ترميمی شدن عدالت کیفری صغار در انگلستان و ويلز"، علوم جنایی (مجموعه‌ی مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۳.
۱۲. نجفی ابرند آبادی، علی حسین، "از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی"، مجله‌ی تخصصی دانشگاه علوم رضوی، الهیات و حقوق، شماره‌ی نهم و دهم، سال سوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۲.
۱۳. ویلیامز، "متون جرم‌شناسی (حمایت از بزه دیده و نهادهای مردمی)"، ترجمه‌ی علی صفاری، مجله‌ی تحقیقات حقوقی، شماره‌ی ۴۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۳.

ب) انگلیسی

1. Ashworth , Anderw, Sentencing and Criminal Justice, London, Butterworths, 2000.
2. Davis, Benjamin G., Making Amends: Madiation and Reparation in Criminal Justice, London, Routledge, 1992.
3. Duff, A., Probation, Punishment and Restorative Justice: Should A Truism be Engaged in Punishment?", Howard Journal, Vol. 42(2), 2003.
4. Easton, Susan and Piper, Christine, Sentencing and Punishment, Oxford University, 2005.
5. Fenwick , H., "Procedural Rights of Victims of Crims: Public or Private Ordering of the Criminal Justice Process ?", Modern Law Review, Vol. 60 (3), 1997.
6. Geen, H., Paths to Justice: What People Do and Think about Going to Law, Oxford, Hart Publishing, 1999.
7. Harris, Robin R., Crime, Criminal Justice and the Probation Service, London, Routledge, 1992.

8. Jackson , John, "Justice for All: Putting Victims at Heart of Criminal Justice",
Journal of Law and Society, Vol. 30(2), 2003.
9. McLaughlin, Edward, Ferguson, Robert, Hughes, G. and Westmarland, L.,
Restorative Justice , Critical Issues, Miton Keynes / London , Open University
Press / Sage. 2003.
10. Miers, D., "Situating and Researching Restorative Justice in Great Britain
Punishment and Society", Crim.L.R. Vol. 6(1).
11. Moxon, D., Corkery, J.M. and Hedderman, C., Some Developments in the Use
of Compensation Orders in Magistrates Courts since 1988 , Home Office
Research Study 126, London, HMSO, 1992.
12. Newburn, T., Crime and Criminal Justice, London, Longmans, 1995.
13. Newburn and *et al.*. The Introduction of Referral Orders into the Youth Justice
System: Final Report, Home Office Research Study 242, London, Home
Office, VIII.IX, 2002.
14. Rejda, G. and Meurer, E., "An Analysis of State Crime Compensation Plans",
Journal of Risk and Insurance, Dec. 1975, No. 42.
15. Richards, M., Censure without Sanctions, Winchester, Waterside Press, 1998.
16. Sanders M. A., "Victim Participation in an Exclusionary Criminal Justice
System", in: C. Hoyle and Young (eds), New Versions of Crime Victims, Oxford,
Hart Publishing, 2002.
17. Sandra, Walklate, Imaging the Victim of Crime, New Yourk, Open University
Press, 2007.

18. Shapland, Joanna, "Restorative Justice and Criminal Justice: Just Responses to Crime?", in: Von Hirsch, A. and *et al.*, Restorative Justice and Criminal Justice , Competing or Reconcilable Paidigms?, Oxford, Hart Publishing, 2003.
19. Stephon, P.Jounes, Criminology, Oxford University Press, 2006.
20. Smith and Hogan, Criminal Law, Seventh edition, London, Butterworths, 1992.
21. Ward, Richard and Akhtar, Amanda, Walker and Walker's English Legal System, Oxford University Press, 2008.
22. Wargent, M., "The New Governance of Probation", Howard Journal, Vol. 41(2), 2002.
23. Wasik, M., "Reparation: Sentencing and the Victim", Crim.L.R., 1999.
24. Wright, M., Justice for Victims and Offenders , Open University Press, 1991.
25. Williams, B., "The Victims Charter: Citizens as Consumers of the Criminal Justice Service", Howard Journal, Vol. 38(4), 1999.
26. Young, R., "Reparation as Mmitigation", Crim.L.R., 1989.

پ) نشانی‌های اینترنتی

1. <http://www.Homeoffice.gov.uk>.
2. http://www.opsi.gov.uk/.../si1988/Uksi_19881862_en_1.htm.
3. <http://www.Bing.com/search.magistrates> and crown courts.u k. criminal statistis and form.

ت) قوانین

1. Criminal Justice Act 1988.
2. Criminal Justice Act 1972.

3. Criminal Justice Act 1982.
4. Criminal Justice Act 1988.
5. Criminal Justice Act 2003.
6. Criminal Injury Compensation Amendment Act 1995.
7. Conditional Cautions.
8. Code of Practice for Victims 2005.
9. Crown Court and Magistrate Court.
10. Crown Prosecution Service Regulation 1988 (witness, Allowance).
11. Explosive Substances Act 1883.
12. Firearms Act 1968.
13. Powers of Criminal Courts Act 1973.
14. Powers of Criminal Courts (sentencing) Act 2000.
15. Proceeds of Crime Act 2002.
16. Public Order Act 1986.
17. Theft Act 1986.
18. The Durg Trafficking Offences Act 1986.
19. The Prevention of Terrorism Act 2002.
20. Youth Justice and Criminal Evidence Act 1999.